

## معرفی نسخه خطی جدید «ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار» نوشته رشیدالدین وطواط

رشیدالدین محمد بن عبدالجلیل العمری مشهور به وطواط یکی از بزرگترین شاعران و ادبای دوره پیدایش و قدرت دولت خوارزمشاهیان محسوب می شود، نسخه جدیدی از اثر وی بنام ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار بدست ما رسیده است.<sup>۱</sup> نسخه حاضر یکی از کاملترین نسخ خطی این کتاب است که نسبت به نسخه های موجود قبلی برتری کامل دارد. اینک اطلاعات و معلومات جدیدی در مورد این کتاب نادر برای خوانندگان عزیز تقدیم می کنیم.

اطلاعات اولیه در مورد این اثر وطواط به ترتیب در کتاب کشف الظنون کاتب چلبی،<sup>۲</sup> مقاله احمد آتش، «بعضی از نسخ خطی رشیدالدین وطواط»،<sup>۳</sup> و کتاب تاریخ ادبیات در ایران دکتر ذبیح الله صفا<sup>۴</sup> آمده است.

مشخصات نسخه خطی ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار مورد بحث در این مقاله

بشرح زیر می باشد:

جلد کتاب: کارتن و روکش چرمی قهوه ای بر روی آن کشیده شده است. و در روی جلد هیچ گونه نوشته ای مشاهده نمی شود و از ۸۴ ورق تشکیل یافته است.

ابعاد کتاب: ۱۱×۱۷/۳ سانتیمتر.

تمامی اوراق کتاب با طلای ۲۴ عیار تهذیب شده که هر یک از اوراق از ۱۳ سطر منتظم ترتیب یافته که با خط نستعلیق با مرکب سیاه نوشته شده است. تمام عناوین موجود در کتاب با طلا نوشته شده، شرح تمام قصاید و مکتوبات پس از عنوان با مرکب

قرمزنگارش یافته. در پایان کتاب نام کاتب، متأسفانه بطوری که معلوم می‌شود بعدها وسیله شخص مغرضی با قیچی بریده شده که محل آن عیناً در کتاب باقی است. تاریخ نگارش معلوم و به عربی چنین نوشته شده «تم فی تاریخ سنه سبع و ثمانه ماه هجری (۸۰۷ ه.ق.)».

در مقدمه، رشیدالدین وطواط اثر خود را به اتسز خوارزمشاه تقدیم نموده و چنین نوشته: «فکر من در دعای درگاه و ثنای بارگاه خداوند عالم پادشاه بنی آدم خوارزمشاه معظم علاءالدین و الدین ملک الشرق و الغرب ابوالمظفر اتسز بن خوارزمشاه معین امیر المؤمنین قدس الله وجهه سخت بسیار است و هنوز بحمدالله طبع نقاد و خاطر وقاد بر کار است و هر ساعت اعداد آن تزیاید می‌گیرد و امداد آن تضاعف می‌پذیرد و نیز بزرگان را یکبارگی محروم گردانیدن و التماس ایشان را به بسمع اجابت و اسعاف ناشنیدن در مذهب فتوت و شریعت مروت روا دیده نیامد. به حکم این معنی این مختصر ساخته شد و این موضوع پرداخته گشت...»

این نسخه نیز مانند سایر نسخ این کتاب از چهاربخش تشکیل یافته است. در بخش اول ده نامه عربی نوشته شده که شرح زیر می‌توان عناوین آنها را نام برد:

نامه اول: از مجلس معظم خدایگان عالم ملک الشرق و الغرب خوارزمشاه قدس الله روحه نویسد به موافق مقدسه امیر المؤمنین المقتضی لامرالله ادام الله جلاله و مد فی الخافقین ظلالة، نامه دوم: از مجلس معظم خدایگان عالم ملک الشرق و الغرب خوارزمشاه اعز الله الضاده و ضاعف اقتداره نویسد به وزیر امیر المؤمنین اعلی الله حکمته و زاد عظمته، نامه سوم: به قاضی القضاة زینی نویسد به بغداد هم از مجلس معظم خدایگانی ملکی خوارزمشاهی قدس الله روحه، نامه چهارم: از خویشان نویسد در حق علوی ای متحلی به انواع هنر و اصناف دانش بسوی بعضی از وزراء، نامه پنجم: از خویشان نویسد به یکی از ارکان دولت و اعیان حضرت در حق بزرگ زاده ای که امور او تراجع گرفته بوده است و احوال او اختلال پذیرفته، نامه ششم: در نکوهش حسد نویسد، نامه هفتم: به یکی از جاهلان متکبر نویسد، نامه هشتم: به یکی از بزرگان بلخ نویسد و در او شکایت کند از بعضی شاگردان خویش که از وی علم اقتباس کرده بودند و شرط شکر بجای نیاورده، نامه نهم: بسوی دوستی نویسد در تهنیت به صحت از بیماری، نامه دهم: به یکی از کتاب نویسد که دوات و قلم از او بسیار عاریت می‌خواست بر وجه مطایبه و سیل مداعبه.

در قسمت دوم: ده قصیده به زبان تازی نوشته شده که تعداد ابیات آنان به شرح زیر

است:

قصیده اول ۳۸ بیت، قصیده دوم ۳۴ بیت، قصیده سوم ۵۱ بیت است و در اوتهنیت است به فتحی که خدایگان عالم ملک الشرق و الغرب خوارزمشاه را قتلش الله روحه میر شده بود در بعضی غزوات، قصیده چهارم ۳۲ بیت، قصیده پنجم ۶۲ بیت، قصیده ششم ۳۱ بیت، قصیده هفتم ۲۸ بیت، قصیده هشتم ۴۵ بیت، قصیده نهم ۳۹ بیت، قصیده دهم ۲۵ بیت.

مقطعات تازی: در این بخش ۹ قطعه موجود است به شرح زیر:

قطعه اول، این قطعه در مدح خدایگان عالم قدس الله روحه گوید در آن جا تهنیت کند به خلعت امیرالمؤمنین، قطعه دوم: در شکر اهل خوارزم، قطعه سوم: در ذم حاسدان گوید، قطعه چهارم: در مدح بلخ گوید، قطعه پنجم در مذمت شراب گوید، و قطعه های دیگری در دو بیت نیز آمده است.

قسمت سوم: در این قسمت ده نامه به زبان پارسی آورده است به شرح زیر:

نامه اول: در فتح [جند] نویسد، نامه دوم: منشور قضای خوارزم نویسد، نامه سوم: منشور استیفا نویسد، نامه چهارم: منشور عمل نویسد بر سبیل اختصار، نامه پنجم: در تعزیت بزرگی نویسد، نامه ششم: در تهنیت و تعزیت نویسد، نامه هفتم: به حضرت بعضی از سلاطین نویسد، نامه هشتم: به بعضی از بنات سلاطین نویسد، نامه نهم: به یکی از وزراء نویسد، نامه دهم: به یکی از بزرگان نویسد.

قسمت چهارم: در پایان نامه های پارسی با ذکر جمله «قسم چهارم» این جملات را با مرکب قرمز زیر آن قید کرده است. «و اندر او ده قصیده پارسی ست هم در مدح خدایگان عالم ملک معظم خوارزمشاه قدس الله روحه و غزل و قطعه و دویتی چند در گرفتن شهر [جند]».

تعداد ابیات قصاید پارسی نیز چنین است: قصیده اول ۸۷ بیت، قصیده دوم ۵۵ بیت، قصیده سوم ۲۹ بیت، قصیده چهارم ۴۵ بیت و این قصیده از اول تا آخر مرصع است و همانا پیش از من در عرب و عجم کس قصیده تمام مرصع نگفته است [ذکر شده]. قصیده پنجم ۵۳ بیت، قصیده ششم ۴۹ بیت، قصیده هفتم ۳۳ بیت، قصیده هشتم ۲۲۶ بیت، قصیده نهم ۳۰ بیت و در این قصیده ذکر حصار و میلی کند که پادشاه اسلام خوارزمشاه در صمیم بلاد کفر برآورد بمدت اندک [نوشته شده]، قصیده دهم ۲۷ بیت است.

پس از قصاید پارسی ده قطعه آورده شده که تعداد ابیات آنها نیز چنین می باشد: قطعه اول ۱۶ بیت، قطعه دوم ۶ بیت، قطعه سوم ۲ بیت، قطعه چهارم ۵ بیت، قطعه پنجم ۲ بیت، قطعه ششم ۲ بیت، قطعه هفتم ۲ بیت، قطعه هشتم ۵ بیت، قطعه نهم ۲ بیت، و قطعه دهم نیز ۲ بیت می باشد.

در قسمت غزلیات، ۵ غزل موجود است که تعداد ابیات آنها نیز چنین است: غزل اول ۱۶ بیت، غزل دوم ۵ بیت، غزل سوم ۷ بیت، غزل چهارم ۹ بیت، غزل پنجم نیز ۱۰ بیت می باشد. در بخش رباعیات نیز ۸ رباعی موجود است. در این جا ذکر دو موضوع دیگر را نیز لازم می دانیم: در هر دو نسخه خطی حاضر، در مقدمه کتاب، نام نویسنده «رشید الدین وطواط» به صورتهای متفاوت قید گردیده: در مقدمه ای که ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران قید کرده، چنین نوشته شده است «محمد بن محمد بن عبدالجلیل العمری الرشید المشتهر بوطواط، و فقه الله لما یصلح امر دینه و دنیا». در مقدمه نسخه ای که در دست ماست چنین آمده: محمد بن محمد بن عبدالجلیل العمری الرشید و فقه الله لما یصلح امر دینه و دنیا». قید نکردن مخلص «المشتهر بوطواط» را در این نسخه این طور می توان توجیه کرد که چون اثر با طلای ۲۴ عیار تهذیب شده است، وطواط این اثر پر ارزش و قیمتی را جهت تقدیم به یک امیر و یا سلطانی ترتیب داده و بدین سبب از قید مخلص خود در آن خودداری کرده است.

۲ - به عنوان خاتمه اثر، ابکار الافکار فی الرسائل والاشعار رشیدالدین وطواط را کاتب چلبی در کتاب کشف الظنون چهار بخش دانسته و تعداد نامه ها و قصاید را ۹ قطعه ذکر نموده است. احمد آتش نیز در مقاله خود «بعضی از نسخ آثار وطواط» تعداد نامه ها و قصاید را به شرح زیر بیان کرده است: قسمت اول: ده نامه تازی، قسمت دوم: ده قصیده و چند قطعه، قسمت سوم: ده نامه به زبان پارسی، قسمت چهارم: ده قصیده و غزل به زبان پارسی. دکتر ذبیح الله صفا نیز در تاریخ ادبیات در ایران چنین بیان نموده: ده نامه عربی، ده قصیده و چند قطعه، ده نامه به زبان فارسی، ده قصیده فارسی قطعه و غزل و رباعی.

و حال آن که نسخه ای که در دست ماست محتویات آن بطور خلاصه چنین می باشد: ده نامه عربی، ده قصیده، و نه قطعه عربی، ده نامه فارسی، ده قصیده، ده قطعه فارسی، پنج غزل و هشت رباعی.

در ضمن تعداد اوراق نسخه ای که احمد آتش دیده ۷۰ ورق است، دکتر ذبیح الله صفا تعداد برگها را ۶۹ ورق ذکر کرده، و نسخه ای که در دست ماست از ۸۴ ورق تشکیل

شده است. در پایان می توان ادعا کرد که نسخه جدید کتاب، از نسخی که تا این تاریخ شناخته و معرفی شده بوده است، کاملتر می باشد.

۱۹۹۰/۱/۳۰

دانشکده علوم و ادبیات، دانشگاه آتاترک، ارضروم - ترکیه

### یادداشتها:

- ۱ - نسخه مورد بحث در کتابخانه شخصی دکتر زهرا بیلگه گیل موجود است.
- ۲ - «رشید الدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل البلخی (متوفی ۵۷۳ هجری قمری. خوارزم) کتابی نوشته که از چهار فصل و یک مقدمه تشکیل یافته. در این کتاب نخست ۹ رساله (مقاله) ایراد شده، سپس ۹ قصیده، که فصول سوم و چهارم نیز عیناً به همین نحوی باشد ولی دو فصل پایانی آن به زبان پارسی نوشته شده است» (کتاب چلبی، کتاب کشف الظنون، جلد ۱، صفحه ۴.
- ۳ - اما در مقاله احمد آتش بنام «بعضی از نسخ خطی رشیدالدین وطواط» اطلاعات زیر را ارائه می دهد: «رشیدالدین وطواط مجموعه ای که به نظم و به نثر جهت اهدا به اتسز خوارزمشاه برشته تحریر درآورده است از چهار فصل تشکیل می یابد. در اولین بخش ده نامه به زبان عربی، در دومین قسمت ده قصیده به زبان عربی و بعلاوه چند قطعه، در سومین بخش ده نامه به زبان فارسی، در آخرین بخش ده قصیده به زبان فارسی و بعلاوه چند غزل تحریر گردیده.
- نسخه ای که در کتابخانه دانشگاه بشماره (۰۰۴۲۴) ثبت گردیده و وصف آن در ذیل خواهد آمد در عالم ادبیات اولین نسخه شناخته شده ای است که برای نخستین بار از طرف این جانب ثبت شده. نگا ( bk. M.A.Köymen, nr.2'de mezkur makalesi, 541 not2) که بعدها از طرف مجله یادگار بصورت وسیعی توصیف شده است. فتحنامه [جند] که در اولین نامه قسمت دوم نوشته شده، و برتولد از مجموعه معروف لنینگراد اخذ و در اثر معروفش بنام ترکستان در بخش اسناد انتشار یافته است (۵۰ - ص) همان فتحنامه، با شرح بعضی از رویدادهای مهم تاریخی آن در مجله یادگار (سال چهارم ۱۳۲۶ شماره ۳ صفحه ۹ - ۱۵) چاپ و بعنوان یک اثر ادبی، احمد آتش در کتاب گرامر فارسی خود در صفحه ۱۳۵ و ۱۳۶ بصورت کامل آن را چاپ کرده است. نسخ آن عبارتند از: احمد ۰۳ - ۲۳۲۷/۲ کلا در بین مجموعه ای که متشکل از ۹۷ ورق می باشد از ورق ۲۶ الی ۸۹ جای گرفته. مکتوبات عربی از صفحه ۳۵ الی ۴۹، قصاید عربی از صفحه ۴۹ الی ۶۰، مکتوبات فارسی از صفحه ۶۰ الی ۷۳، قصاید فارسی از صفحه ۷۳ الی ۸۹.
- کتابخانه دانشگاه، کتابی با جلد قهوه ای بشماره ۴۲۴، ۷۰ ورق (۶۶ تا ۷۰) بعضی یادداشتها موجود است. مشخصات کتاب: ۱۲/۹ x ۱۷/۲ (۱۲/۴ x ۷/۶) که هر ورق آن از ۱۵ سطر منظم به خط نسخ نوشته شده و سرمقاله ها عموماً با مرکب قرمز نوشته شده و ورق نخستین آن افتاده که بعدها تکمیل شده است. تاریخ استساخ آن معلوم نیست (۹/۱۴) از صفحه ۲ تا ۱۷، مکتوبات عربی.
- از صفحه ۱۷ قصاید عربی، از ۳۱ تا ۴۵ نامه های فارسی، از صفحه ۴۶ تا ۶۶ قصاید فارسی و ده قطعه و ۶ غزل در این کتاب موجود می باشد.
- نسخه نوری عثمانیه: شماره ثبت، ۴۳۱۲/۳. ح ۹۹. در میان مجموعه ای از صفحه ۱۴۱ تا ۱۴۹ فقط مکتوبات عربی و قصاید موجود می باشد. «احمد آتش، مجموعه تاریخ، شماره ۱۰، ۱۹۵۰، از صفحه ۱ تا ۲۴).
- ۴ - دکتر ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران در مورد آثار رشیدالدین وطواط چنین نوشته:

«دوم مکاتیب فارسی که بندرت در جنگها بدست می‌آید. از آن جمله در موزه انجمن علوم لنینگراد مجموعه‌ای از بعضی رسائل و تصاید فارسی وجود دارد که سابقاً در اداره السه شرقیه لنینگراد موجود بوده و بارون روزن در فهرستی که از کتب فارسی آن اداره طبع کرده، آن مجموعه را نیز معرفی نموده و فهرست مطالب آن را آورده است. از این مجموعه سه نسخه عکسی در کتابخانه ملی تهران موجود است. قسمتی از این رسائل از رشیدالدین وطواط و عبارت است از مراسلات دیوانی و اخوانی و پراست از فواید ادبی و اطلاعات تاریخی. در جزو نسخ عکسی کتابخانه ملی ایران که قسمتی را از کتابخانه‌های ترکیه فراهم آورده‌اند، نسخه‌ای از مجموعه رسائل و اشعار رشید وطواط است بنام ابتکار الافکار. این نسخه در ۶۹ ورق است و رشید وطواط خود آن را در عهد سلطنت اتس‌خوارزمشاه گردآورده و مسلماً فاقد همه رسائل اوست.»

مقدمه‌ای که ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران قید کرده چنین است:

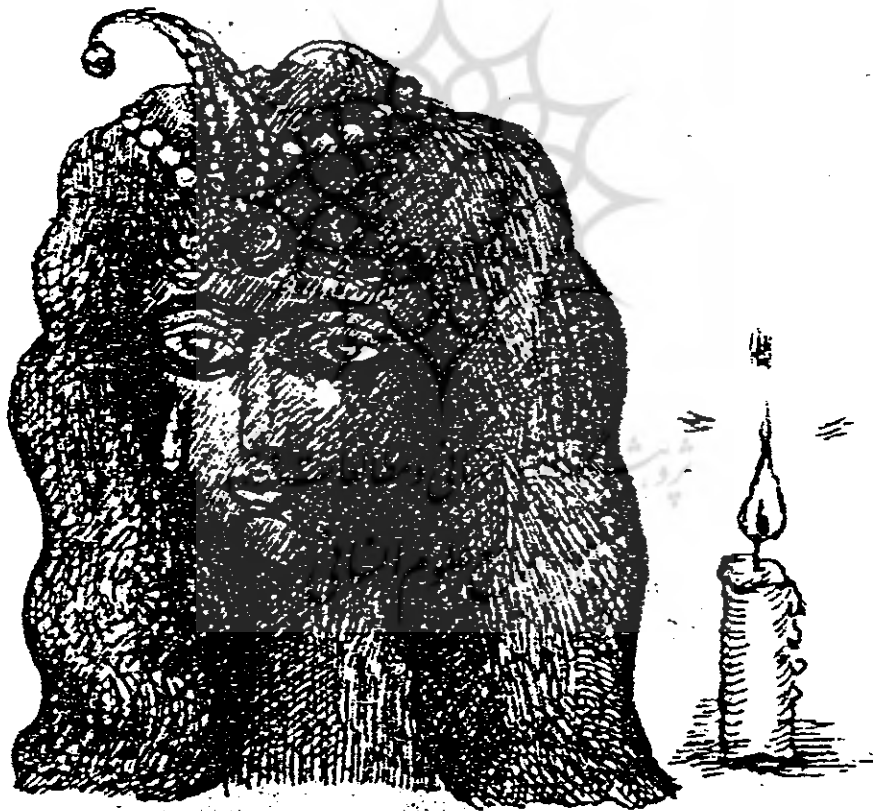
«الحمد لله على صنایع کرمه و روایع نمه و الصلوة على نبيه الرقى و رسوله الصفى محمد وآله، اختيار الخلق، و اصحابه انصار الحق، و بعد: فراهم آورنده این مجموع محمد بن محمد بن عبدالجلیل العمری الرشید المشتهر بوطواط، و فقه الله لما یصلح امر دینه و دنیا... و هو على اربعة اقسام: قسم اول مشتمل است برده نامه نازی، قسم دوم مشتمل است برده قصیده نازی و قطعه‌ای چند، قسم سوم مشتمل است برده نامه پارسی، قسم چهارم مشتمل است برده قصیده پارسی و قطعه و غزل و رباعی چند.»

در مقدمه نسخه‌ای که در دست ماست چنین نوشته شده است:

الحمد لله على صنایع کرمه و روایع نمه و الصلوة على نبيه الرقى و رسوله الصفى محمد وعلى آله اختيار الخلق و اصحابه انصار الحق، فراهم آورنده این مجموعه محمد بن محمد بن عبدالجلیل العمری الرشید و فقه الله لما یصلح امر دینه و دنیا... و هو على اربعة اقسام، قسم اول مشتمل است برده نامه نازی، قسم دوم مشتمل است برده قصیده نازی و قطعه‌ای چند، قسم سیم مشتمل است برده نامه پارسی، قسم چهارم مشتمل است برده قصیده پارسی و قطعه و غزل و رباعی چند.»، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، چاپ سوم، تهران ۱۳۳۹، ص ۹۵۶.

# رباعیات حکیم عمر خیّام

مصور شده بوسیله اردشیر محمص





من باطن هر فراز و پستی داتم  
گر مرتبه ای و رای مستی داتم

من ظاهر نیستی و هستی داتم  
با اینهمه از دانش خود شرمم باد





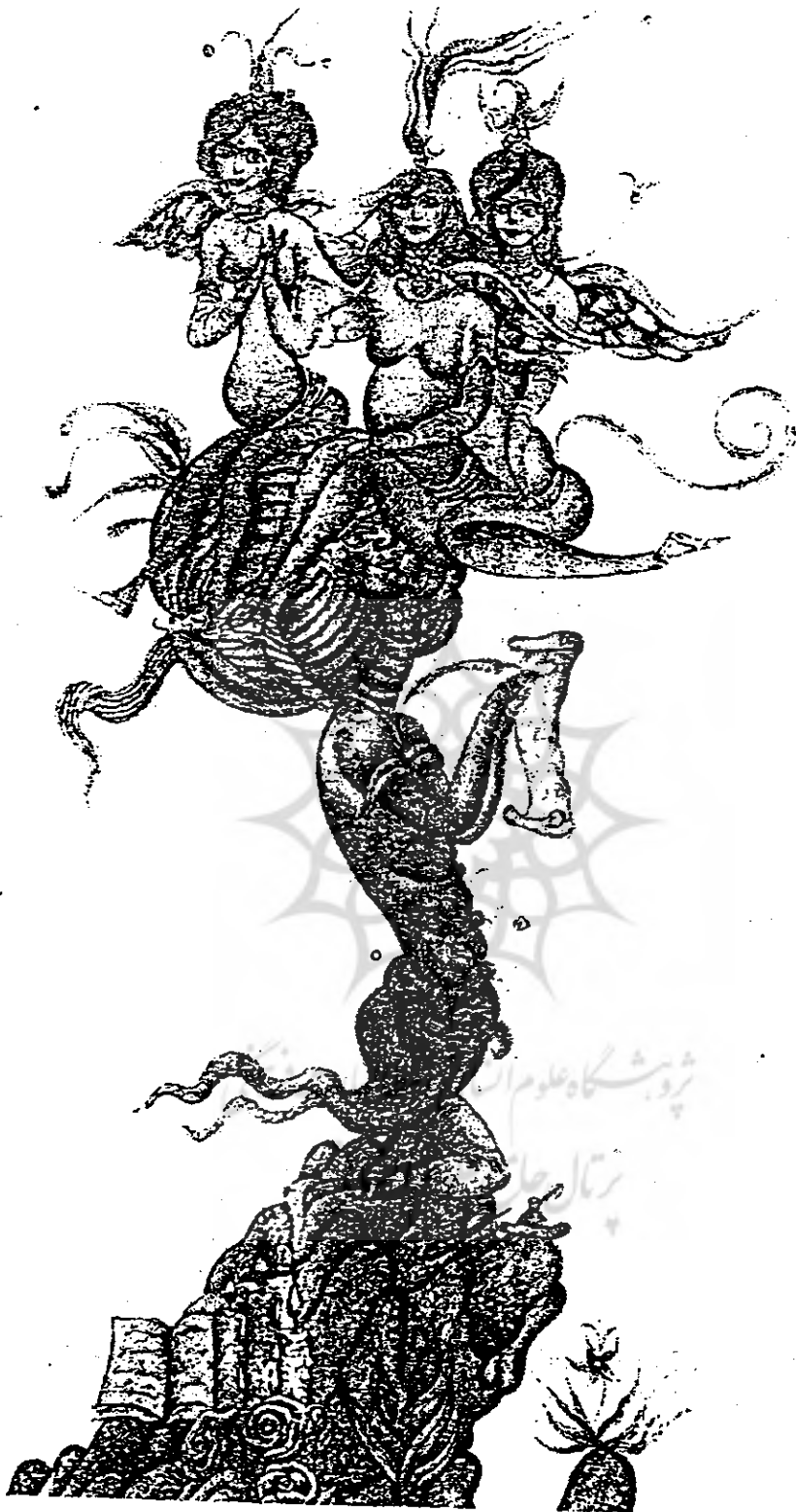
بر رهگذرم هزار جا دام نهی  
 یک ذره جهان ز حکم تو خالی نیست

گویی که بگیرمت اگر گام نهی  
 حکم تو کنی و عاصی ام نام نهی



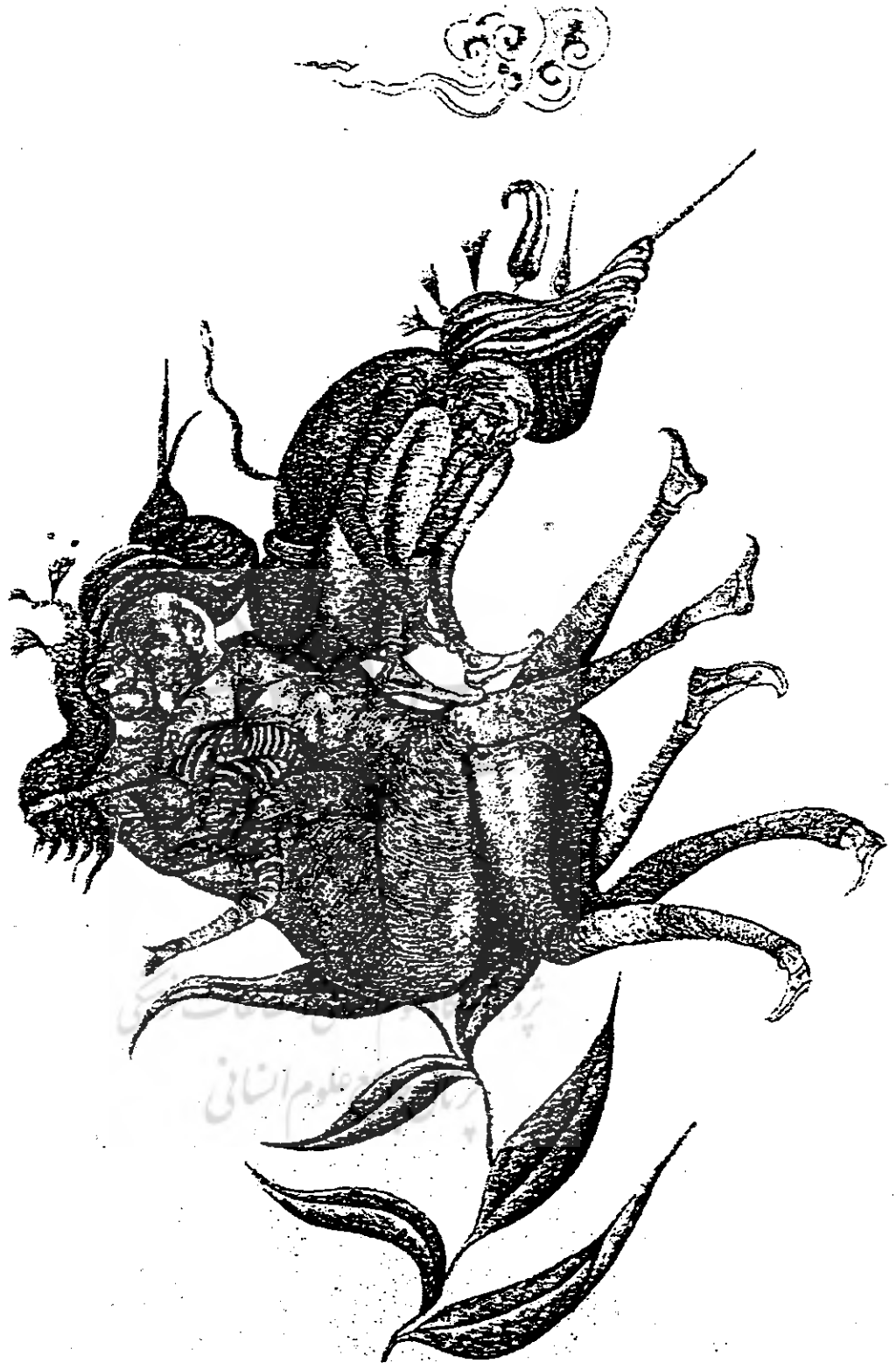
بنشین و دمی به شادمانی گذران  
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

بزخیز و مخور غم جهان گذران  
در طبع جهان اگر وفایی بودی



از روی حقیقت و نه از روی مجاز  
افتیم به صندوق عدم یک یک باز

ما لعبتکانبیم و فلک لعبت باز  
بازیچه همی کنیم بر نطع و جرد



وان تازه بهار زندگانی دی شد  
فریاد نداتم که کی آمد، کی شد

افسوس که نامه جوانی طی شد  
آن مرغ طرب که نام او بود شیباب



شادی و غمی که در قضا و قدر است  
چرخ از تو هزار بار بیچاره تر است

نیکی و بدی که در نهاد بشر است  
با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل